



نگاهی به منظومه فکری شهید آیت‌الله بهشتی در چهلمین سالگرد شهادت ایشان

از مردم باوری تا عدالتخواهی

بامشی فکری و منش عملی شهید بهشتی می‌توان برای بسیاری از مصایب ایران امروز راه‌حل‌های کارآمد داشت

دکتر فرشاد مؤمنی
 استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد

چهلمین سالگرد شهادت آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی فرصت مناسبی است برای اینکه رویکرد ایشان به مسأله توسعه با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی آن را مورد تأمل و تدقیق قرار دهیم. کسانی که با اندیشه و آثار شهید بهشتی آشنایی دارند، می‌دانند که نحوه ورود ایشان به مسأله توسعه به‌عنوان یک مسأله مستحده و باخصلت قرارشته‌ای چقدر می‌تواند برای شرایط امروز جامعه ما و برای برون‌رفت از چالش‌های سیاسی- اقتصادی ما ارزشمند و راهگشا باشد. آیت‌الله بهشتی در نگاه به مسأله توسعه پنج استدلال را بر اساس موازین اسلامی مطرح می‌کنند که در واقع نشان‌دهنده عقلایی دانستن و اسلامی دانستن کوشش‌های معطوف به توسعه است. ایشان در صفحه‌های ۴۱ و ۴۲ کتاب «حق و باطل از دیدگاه قرآن» به صراحت عنوان می‌کنند که از دیدگاه قرآن ادعای صرف در باب برتری اندیشه دینی کفایت نمی‌کند. تعبیر ایشان این است که اسلام دین حق است و این حق به معنای این است که خلقت را عبت نمی‌داند و برای زندگی هدف اعلام می‌کند. ایشان «توسعه عادلانه» را هدف جامعه اسلامی معرفی می‌کنند و در کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» تصریح می‌کنند که تلاش برای بهبود کیفیت زندگی از جنبه فردی و جمعی یک امر عقلایی است که اسلام بر آن صحه می‌گذارد. شهید بهشتی با استناد به آیاتی از قرآن تأکید می‌کنند که تلاش برای تغییر و اعتلا بخشی جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان یک تکلیف قرآنی است.

ایشان در صفحه ۴۳ کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» و در صفحه ۳۵ کتاب «سه گونه اسلام» هم آورده‌اند که ساختن یک جامعه نمونه مبتنی بر تعالیم اسلام یک تکلیف قرآنی است و به شکل دیگری بر این نکته در کتاب «بایدها و نبایدها از دیدگاه قرآن» هم تأکید کرده‌اند که بهترین تبلیغ برای اسلام، تنها ادعای صرف نیست بلکه ساختن آن جامعه نمونه مورد نظر قرآن است. شهید بهشتی ۵ محور را برای حرکت به سمت آنچه امروزه «توسعه» خوانده می‌شود، حیاتی می‌دانند: ۱. شفافیت ۲. عدالت ۳. مشارکت ۴. دورنگری ۵. اجرای کارآمد. اغراق نیست اگر بگوییم هیچ متفکر و اسلام‌شناس ممتازی در قرن بیستم چنین روشمند و با انسجام نتوانسته است تصویر شفاف و روشنی از مسأله توسعه ارائه کند. اما این ۵ محور را از نگاه ایشان چنین می‌توان تبیین کرد:

«بایدها و نبایدها» تصریح می‌کنند که توزیع پول بیت‌المال برای مقاصد شخصی رویه امویان بوده و «سیره اموی» راه توسعه را بر ما تنگ خواهد کرد، بنابراین از نظر ایشان «شفافیت» هم مبارزه با اموی‌سازی مناسبات اقتصادی- اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند و هم امکان نظارت فراگیر شهروندان در کل فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع نظام ملی را موضوعیت می‌بخشد.

۲ **عدالت:** دکتر بهشتی، کاملاً همسو با برجسته‌ترین اندیشه‌ورزان معاصر توسعه، عدالت را برای پایداری نظام ملی حیاتی معرفی می‌کنند و به تعبیر متفکران بزرگ توسعه اشاره می‌کنند که عدالت کسب دانش و مهارت و نیز مجرای تبلور نفع شخصی را بر اساس مناسبات مبتنی بر علم و تولید بنا می‌گذارد؛ به این معنا که در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع «علم» فصل الخطاب می‌شود و برای برخورداری باید «خلق ارزش» کرد.

جالب است که بدانیم تنها متفکر اسلامی در قرن بیستم که از این زاویه مرزبندی شفافی بین فعالیت‌های مولد و غیرمولد انجام داده است، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی است. او در صفحات ۲۱ و ۳۲ کتاب «اقتصاد اسلامی» با هدف ارائه نظریه مالکیت مبتنی بر اندیشه اسلامی خود دو طبقه از کار مولد را توصیف می‌کند: نخست، کار مولد کاری است که ارزش مصرفی تازه‌ای به‌وجود آورد و دوم، کار مولد کاری است که در نتیجه آن تغییر شکل سودمندی در یک شیء مادی ایجاد شود؛ که این دومی در واقع تعبیری از پدیده صنعتی شدن در دنیای مدرن است. در این چارچوب شهید بهشتی معتقدند عدول از علم‌محوری و تولیدمحوری، نیروی محرک بازتولید مناسبات نابرابر ساز است. ایشان در کتاب «حق و باطل» بویژه در صفحات ۱۰۸، ۱۰۷ و ۱۳۲ بر این نکته تأکید می‌گذارند که «حق» و «عدل» از یکدیگر جدا شدنی نیستند. ایشان در صفحه ۲۴۷ کتاب «پیامبری از نگاهی دیگر» عنوان می‌کنند که محک اصلی ادعای اسلامی بودن مناسبات، «عدل» است و در همان صفحه به صراحت بیان می‌کنند که مناسبات عادلانه مهم‌ترین بستر برای تحقق مقام خلیفه‌اللهی انسان است.

۳ **مشارکت مردمی:** در نگاه شهید بهشتی «مشارکت» یعنی مردم باید هم در فرایند تصمیم‌گیری و هم در فرایند اجرا و هم در جریان برخورداری از عایدات آن تلاش‌ها، سهمیم و حضور قاطع داشته باشند. ایشان در «نظریه عدالت» و «نظریه مالکیت» خود بحث‌های عمیق و دقیقی را در رابطه با اهمیت و لزوم مشارکت مردم مطرح کرده‌اند که شان و جایگاه مردم در منظومه فکری ایشان را نشان می‌دهد. شهید بهشتی از متفکران نواندیشی است که برای مشارکت فعال و مؤثر مردم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان تأکیدات بسیاری دارند؛ «مردم‌باوری» در نگاه و نظر ایشان محوریت تمام عیار دارد. شهید بهشتی در تفسیر آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید عنوان کرده‌اند که وقتی در این آیه «لِیَقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های بعثت انبیا مطرح می‌شود معنایش این است که در مناسبات

آیت‌الله بهشتی در صفحه ۱۴۰ کتاب

عادلانه، مشارکت فعال و مؤثر مردم نقش ابر تعیین‌کننده دارد و در کشورهای عقب‌مانده همان‌طور که از مفاهیم متعالی مثل عدالت و آزادی سوءاستفاده می‌شود «مشارکت مردمی» هم می‌تواند در معرض چنین سوءاستفاده‌هایی قرار گیرد.

ایشان تأکید ویژه‌ای دارند بر این نکته که در مناسبات اسلامی نوع مواجهه با فقر نباید مبتنی بر سفته‌پروری باشد و در این باره در صفحه ۱۳۶ کتاب «اقتصاد اسلامی» خود تصریح می‌نمایند که توزیع رانت را باید بدترین نوع افساد در نظر گرفت و تعبیری که در این زمینه به کار می‌برند این است که فقر فقرا باید با تکیه بر کار خلاق آنان و مشارکت فعال آنان در سرنوشت اقتصادی‌شان برطرف شود و اگر مسیر غیر از این طی شود منجر به انحطاط خواهد شد.

در کتاب «اقتصاد اسلامی» درباره فلسفه‌بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی نکاتی را مطرح می‌کنند که دارای آموختنی‌های بسیار قابل اعتنا است. به تعبیر ایشان، مبارزه بی‌امان با حاکمیت سرمایه و مفت‌خواری از مهم‌ترین لوازم تولیدمحوری، مشارکت‌محوری و شفافیت‌محوری است.

مسأله قابل تأمل دیگری که شهید بهشتی در کتاب «اقتصاد اسلامی» به‌طور مبسوط مورد توجه قرار داده‌اند این است که عزت و کرامت مردم با راهبرد «اشتغال مولد» قابل تأمین است. بنابراین ایشان از سیاست‌هایی که منجر به سفته‌پروری و مشارکت‌زدایی مردم شود شدت کارگزاران را پرهیز می‌دهند. ۴ **دورنگری:** یکی از نقاط کلیدی اندیشه دکتر بهشتی که در کتاب «حق و باطل» هم بر آن تأکید شده است اصل «دورنگری» است. ایشان بر این باورند که مهم‌ترین متغیر کنترلی برای شناخت ویژگی‌های چهره‌های حق‌پرست و متمایز ساختن ایشان از مدعیان دروغین، افق دید بلندمدت آنان است. در واقع ایشان از این زاویه مرزبندی اسلام با هر نوع مناسبات رانتی را برجسته می‌کنند، چون در تعریف کلاسیک مناسبات رانتی گفته می‌شود که در مناسبات رانتی به‌صورت نظام‌وار ملاحظات و منافع دور مدت قربانی کوتاه‌نگری و روزمرگی و افق کوتاه تصمیمات و اقدامات می‌شود.

۵ **اجرای کارآمد:** با وجود نقش تعیین‌کننده ۴ رکن پیشین، اما دکتر بهشتی بر این باورند که تا «اجرای کارآمد»

نیاشد فرایند توسعه سیاسی- اقتصادی در جامعه به سرانجام نخواهد رسید. از این رو، ایشان از موضع عدالت از یک سو بر شایسته‌محوری و تناسب صلاحیت‌ها با برخورداری‌ها تأکید دارند و از سوی دیگر، بر نظارت همگانی و ممانعت از ویژه‌خواری و مفت‌خواری و جلوگیری از حاکمیت سرمایه سفارش می‌کنند، بویژه در این زمینه بحث‌های منحصر به فردی در باب سازوکارهای ارتقای کیفیت و بهره‌وری در نظام دیوانسالاری ارائه کرده‌اند.

مردم‌باوری، عدالتخواهی، کارآمدی، شفافیت و آینده‌نگری از اصول اساسی اندیشه‌های شهید بهشتی است. به این اعتبار، اگر رهنمودهای دکتر بهشتی مبنای عمل برای ایران امروز قرار گیرد یک شی می‌توانیم برای بسیاری از مصایب امروز جامعه‌مان راه‌حل‌های کارآمد داشته باشیم، چرا که بر این باورم ریشه همه‌مفاسد جدی در حیطه اقتصاد ایران، دور شدن از این مؤلفه‌های پنج‌گانه بوده است. اگر همان‌طور که شهید بهشتی تأکید می‌کنند در زمینه اقتصاد با حاکمیت سرمایه و مناسبات ربوی مبارزه جدی شود، اگر هزینه مفت‌خواری را در جامعه‌مان بالا ببریم



می‌توان ایران را از شرایط موجودش به‌طور کلی متفاوت کرد و یک جامعه توسعه‌خواه، آزاد، عادلانه و همراه با مشارکت مردم را سامان داد. با اطمینان می‌گویم راه برون‌رفت ما از مصایب امروز اقتصادی- سیاسی از مسیر بازگشت به اندیشه‌های شهید بهشتی امکان‌پذیر است. آنچه شهید بهشتی مطرح کرده‌اند و من آن را «وقوف روش‌شناختی به نقص اطلاعات انسان‌ها» نامیده‌ام به این معنا است که اگر انسان وقوف روش‌شناختی به نقص اطلاعات خود داشته باشد نه دیگر «خود بطریق انظار» خواهد شد و نه برداشت‌های خود را عین «ما انزل الله» می‌پندارد، بنابراین به جای تحجیل و خوشنود زوری، راه مدرا او همکاری و اخلاق و اعتلای بخشی را در دستور کار قرار خواهد داد. به این اعتبار، مدعی هستم اگر اسلوب روش‌شناختی ایشان در جامعه تشویق و آموزش داده شود با قاطعیت می‌توان گفت ما می‌توانیم با یک استنباط روزآمد از اسلام، به مثابه مکتب نجات‌بخش، در مسیر تحقق آرمان‌های این شهید والا مقام گام‌های بلندی برداریم.

▪ **مبارزه با فقر و فساد، مردم‌باوری، عدالتخواهی، کارآمدی، شفافیت و آینده‌نگری از اصول اساسی اندیشه‌های شهید بهشتی است. با اطمینان می‌گویم راه برون‌رفت ما از مصایب امروز اقتصادی- سیاسی از مسیر بازگشت به اندیشه‌های شهید بهشتی امکان‌پذیر است.**

▪ **دکتر بهشتی بر این باورند که تا «اجرای کارآمد» نباشد فرایند توسعه سیاسی- اقتصادی در جامعه به سرانجام نخواهد رسید. از این رو، ایشان از موضع عدالت از یک سو بر شایسته‌محوری و تناسب صلاحیت‌ها با برخورداری‌ها تأکید دارند و از سوی دیگر، بر نظارت همگانی و ممانعت از ویژه‌خواری و مفت‌خواری و جلوگیری از حاکمیت سرمایه سفارش می‌کنند.**

▪ **شهید بهشتی در کتاب «اقتصاد اسلامی» تصریح می‌کنند که عزت و کرامت مردم با راهبرد «اشتغال مولد» قابل تأمین است، بنابراین ایشان از سیاست‌هایی که منجر به سفته‌پروری و مشارکت‌زدایی مردم شود شدت کارگزاران را پرهیز می‌دهند.**

▪ **شهید بهشتی برای مشارکت فعال و مؤثر مردم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان تأکیدات بسیاری دارند؛ «مردم‌باوری» در نگاه و نظر ایشان محوریت تمام عیار دارد.**

تجربه



شنیدن سخنان آنان غافل نمی‌شد؛ هر چند که این سخنان به شکل برخاش و توهین بود و اوسکوت می‌کرد و اجازه می‌داد تا جوانان معترض سخن بگویند و در پایان با قدرت اقتاعی و اخلاقی که داشت آن جوان را همراه خود می‌ساخت و اجازه توهین یا تهدید از جانب کسی را به آن جوان نمی‌داد.

۵ **مدیریت و هدایت جوانان یک جامعه نیازمند برخورداری از حضور انسان‌هایی آزاداندیش در**

نظام اجتماعی است؛ کسانی که همچون شهید بهشتی از بند هوس‌های قدرت و غرور رها شده باشند و آزادی از خود را در عبودیت و بندگی تجربه کرده باشند. اینگونه مدیران هستند که می‌توانند در فضایی آزاد محیطی را به گونه‌ای گرد هم آمدن جوانان و آنان را به سمت رشد معنوی، شگوفایی شخصیت، انسجام اجتماعی، تقویت هویت دینی و ملی راهبری و راهنمایی کنند؛ مدیرانی که هرگز برای جلب جوانان بهشتی نمی‌کنند، بلکه همه کوشش خود را برای تربیت انسان آزاد بکار می‌پیندند، انسان آزاد آزاد از هوس و آزاد از تسلط دیگران. جوانانی که اینگونه تربیت شوند و از چنین آزادی‌ای در جامعه برخوردار باشند، مانند در جامعه و ساختن فردای آن را بر هر گزینه دیگر ترجیح می‌دهند. به امید آنکه چنین نگاهی در ایران عزیز ما رواج یابد.

۳ جوانان کنشگران اصلی جامعه هستند و باید نشاط و شادابی آنان در محیطی انتخابگیرانه و سازنده فراهم شود. طبیعی است که ره‌اشدن و لاقیدی، هرگز در رشد شخصیت جوانان کارساز نخواهد بود. آنچه مد نظر شهید بهشتی است فراهم آمدن محیطی مناسب برای رشد شناختی و شخصیتی است؛ محیطی به دور از اجبار و تحمیل، به دور از هر گونه تفکر قالبی و خالی از نظام مراد و مریدی (نقش آزادی در تربیت کودک، ص ۱۵۹ و ۱۷۶). در همین ارتباط، ایشان روحانیون و عالمان دینی را مورد خطاب خود قرار می‌دهند و می‌گویند:

«توای روحانی و ای عالم دینی، ... با گفته‌ها و نوشته‌هایتان یک مشمت موجود قالبی... تربیت نکنید، آینده بشریت به انسان نیاز دارد؛ انسانی برخوردار از شخصیت انسانی که هم خود را بسازد و هم جامعه را.» (نقش آزادی در تربیت کودک، ص ۱۵۹)

جوانان در جامعه باید در نهادهای آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه فرصت درست اندیشیدن و انتخاب‌های سازنده را پیدا نمایند، نباید به بهانه توجه حضور آنان در جامعه، از آنان انسان‌هایی قالبی و فرمان‌پذیر تربیت کرد، نباید به بهانه دیندارانه زیستن، آنان را تحت‌تأثیر روابط مراد و مریدی قرار داد و از وجودشان به‌عنوان ابزارهای سیاسی استفاده کرد. جوانان باید

«منزلت جوانان» در نگاه شهید دکتر آیت‌الله بهشتی

کرامت انسان؛ تکریم جوان

مدتیقه قاسمی
 استاد حوزه و پژوهشگر مسائل خانواده

۱ جوانان به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های اجتماعی در موفقیت یک جامعه،

نقشی بی‌بدیل دارند. جامعه ایرانی در حال حاضر، جامعه‌ای نسبتاً جوان است، شرایط چنین جامعه‌ای ایجاب می‌کند که در آن برنامه‌های سازنده و مفید برای استفاده از نیروهای کارآمد جوانان بیشتر مورد توجه قرار گیرد. شهید بهشتی به‌عنوان یک متفکر مسلمان، جوانان را مؤثرترین نسل پراحساس در ساختن آینده جامعه می‌دانند؛ نسلی که با زمان آینده بیشتر از گذشته و حال ارتباط دارد، (نقش آزادی در تربیت کودک، ص ۱۴۳) نسلی که نیازمند برخورداری از حقوق طبیعی انسانی است و برای ساختن خود و حضور مؤثر در جامعه نیازمند برخورداری از حق انتخاب و آزادی است. ایشان انسان از منظر قرآن را جاندار آگاه، اندیشمند و انتخابگر می‌داند (نقش آزادی در تربیت کودک، ص ۱۹). جوان نیز به‌عنوان یک انسان، نیازمند برخورداری از چنین حقوقی است، آزادی و انتخابگری جوانان به معنای آن است که آنان نباید گرفتار کنترل‌های بیرونی شوند، آنان باید بتوانند با شناخت و آگاهی لازم مسیر زندگی‌شان را انتخاب نمایند.

۲ شهید بهشتی، باورها و اعتقادات جوانان را نیازمند «شناخت

اجتهادی» می‌داند؛ شناختی

که نقطه آغاز آن باید در زمان بلوغ رقم بخورد. ایشان تأکید دارند که جوانان نباید دلیل مسلمان بودن خود را مستند به شناسنامه و خانواده خود بدانند، آنان حق دارند با آگاهی و شناخت، دین خود را انتخاب کنند، آنان باید شناخت تقلیدی، عاداتی و غیر انتخابی را به اسلام شناختی انتخابی تبدیل سازند (سه گونه اسلام، ص ۲۵ و ۳۹ و ۴۰).

اگر خانواده‌ها، رهبران و مدیران یک جامعه خود را ملزم به رعایت این حق طبیعی و الهی بدانند و شرایط مناسب برای رشد جوانان انتخابگر را فراهم سازند، آنان به‌عنوان بهترین نیروهای کارآمد و مدیر می‌توانند در فرایند سازندگی جامعه نقشی بی‌بدیل بر عهده داشته باشند.

بنابراین در یک جامعه سالم و اسلامی نیازمند برخورداری از حق انتخاب و آزادی است. ایشان انسان از منظر قرآن را جاندار آگاه، اندیشمند و انتخابگر می‌داند (نقش آزادی در تربیت کودک، ص ۱۹). جوان نیز به‌عنوان یک انسان، نیازمند برخورداری از چنین حقوقی است، آزادی و انتخابگری جوانان به معنای آن است که آنان نباید گرفتار کنترل‌های بیرونی شوند، آنان باید بتوانند با شناخت و آگاهی لازم مسیر زندگی‌شان را انتخاب نمایند.